

## نقد شبهه مبتنی بودن تربیت اسلامی بر تریس

احمد رضا در دشتی\*

رمضانعلی حسینی\*\*

### چکیده

روش‌های تربیت دو بخش مهم از ساختار هر مکتب تربیتی است. اسلام به‌عنوان آخرین و جامع‌ترین دین، حاوی مجموعه معارف و آموزه‌های لازم و کافی برای صورتبندی یک مکتب تربیتی کامل و جامع است؛ گواينکه صورتبندی علمی آن هنوز آن‌گونه که بایسته می‌نماید، صورت نگرفته است. برخی از مخالفان اسلام با استناد به یکی از روش‌های تربیتی قرآن؛ یعنی روش انذار و تبشیر، ادعا می‌کنند که روش اصلی و یگانه تربیتی اسلام ترساندن و تطمیع کردن انسان‌ها از دوران کودکی و مبتنی بر نوعی روان‌شناسی حیوانی است که آزادی، کرامت و شخصیت انسان را نادیده می‌گیرد. در مقاله حاضر با بررسی اجمالی روش‌های تربیتی اسلام و تبیین اصول و روش‌های تربیتی آن در ارتباط با مسائل کودک و نوجوان و ارائه تبیین اجمالی از راهبردهای تربیتی توصیه‌شده از سوی پیشوایان دین برای سه مقطع هفت ساله، به شبهه حاضر پاسخ گفته‌ایم. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

**واژگان کلیدی:** نظام تربیت اسلامی، تربیت قرآنی، کودک، انسان بالغ، انذار، تبشیر،

پاداش و تنبیه، روایات تربیتی سه هفت سال.

---

\*. دانشجوی دکتری قرآن و علوم روانشناختی جامعه‌المصطفی ص العالمیه؛ [ahmad.rezaporsesh@gmail.com](mailto:ahmad.rezaporsesh@gmail.com)

\*\* . کارشناس ارشد روانشناسی بالینی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع؛ [khan\\_bulbul80@yahoo.com](mailto:khan_bulbul80@yahoo.com)

### تربیت اخلاقی متعالی، هدف اصلی بعثت پیامبران

۱. تعلیم و تربیت اخلاقی یکی از ارکان همه ادیان الهی و از جمله دین اسلام است؛ این امر آن‌چنان مهم تلقی شده که حتی در سخنی منسوب به پیامبر ﷺ، هدف از بعثت ایشان اتمام اخلاق متعالی معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰). در آیات (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱، جمعه: ۲)، روایات (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷) و گزارش‌هایی که از زندگی بزرگان دین به ما رسیده، انبوهی از گزاره‌های اخلاقی وجود دارد که بخشی به محتوای اخلاق، برخی به فرایند، برخی به روش‌ها، برخی به راهبردها و برخی به اهداف تربیت اخلاقی ناظر است؛ با این وجود متأسفانه در طول ۱۴ قرن از تولد اسلام تاکنون هنوز عالمان دین به توصیف و تبیین نظام تربیت اخلاق اسلامی، آن‌گونه که شایسته است، همت نگمارده‌اند. همچنانکه مسلمانان و دوستداران اسلام با هیجان از تربیت اخلاقی اسلامی دفاع می‌کنند، مخالفان و اسلام‌ستیزان نیز همواره اخلاق و تربیت اخلاقی اسلامی را به بوته نقد کشیده و تلاش کرده‌اند اسلام را دینی فاقد اخلاق یا دارای اخلاق غیرمتعالی معرفی کنند. یکی از این شبهات اینگونه تقریر شده است: «نظام تربیت اسلامی بر محور ترس از جهنم و ایجاد طمع در بهشت مادی است. این نظام تربیتی نمی‌تواند کودکانی اخلاقی بار آورد؛ زیرا کودکی که از ترس جهنم یا طمع بهشت عمل خوبی را انجام یا عمل بدی را ترک می‌کند، هرگز نمی‌تواند زیبایی یا زشتی عمل را درک کرده و خودش را به‌عنوان انسانی با اخلاق و متعالی تصویر کرده و پرورش دهد. اساس اخلاق فایده‌گرایانه از نوع اسلامی، ضمانت اجرا هم ندارد؛ چراکه به محض آنکه فشار ترس یا طمع برداشته شود، کودک به سرگشتگی اخلاقی و هرج و مرج رفتاری گرفتار خواهد شد. اخلاق می‌بایست بر اساس شناخت عقلانی خوب و بد و مبتنی بر احساس زیبایی و درک لوازم انسانی رفتار استوار باشد!» در ادامه با بررسی اجمالی اصول تربیت اخلاق اسلامی، به شبهه حاضر پاسخ می‌گوییم. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.



## بررسی و نقد

### ۱. ضرورت نظریه‌پردازی‌های کلان در تربیت اسلامی

بافاصله کمی از نزول نخستین آیات قرآن بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اولین طلایه‌های علوم اسلامی زاده شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فرمان الهی مأمور شد تا علاوه بر ابلاغ بی‌کم‌وکاست وحی، تفسیر و تبیین آن را نیز برعهده‌گیرد (نحل: ۱۶). سیر تحول و تکامل علوم اسلامی از آن زمان تاکنون ادامه داشته و امامان هدی علیهم‌السلام و عالمان مسلمان بیش از ده‌ها دانش را بر پایه قرآن و حدیث پایه‌گذاری و پرورش داده‌اند (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۷۰). با وجود آیات، احادیث و گزارش‌های فراوان اخلاقی در متون دینی اسلام، متاسفانه دانش تعلیم و تربیت اخلاقی اسلامی هنوز آنگونه که شایسته است، به صورت منسجم، تئوریک و منظم سامان نگرفته است و این خود علل و عوامل گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد. از این رو نسبت‌دادن هر گزاره توصیفی یا تجویزی به چیزی به نام «نظام تعلیم و تربیت اخلاقی اسلام»، فاقد جاهت علمی است. روش اجتهادی اسلامی هنوز در موضوع مسائل تربیتی و اخلاقی به شایستگی به کارگرفته نشده و در این عرصه نیازمند فعالیت‌های علمی منظم و فراوان نظری و کاربردی هستیم. از این رو نمی‌توان با استناد به یک یا چند گزاره اخلاقی در برخی کتاب‌های منسوب به مسلمانان یا استناد به ظاهر آیه یا روایتی از پیشوایان دین، «نظام تعلیم و تربیت دینی» را به نظر یا نظریه خاصی متهم ساخت. روش‌شناسی تحلیل علمی اجازه نمی‌دهد تا بدون جامع‌نگری در منابع و آموزه‌های دینی؛ یعنی چیزی که می‌توان آن را زیر عنوان «نظام تربیت اخلاقی اسلام» صورت‌بندی کرد، موضوعی را به دین اسلام نسبت دهیم. مضاف بر اینکه حتی مرور گذرا در معارف و آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که روش انذار و تبشیر دو روش از روش‌های چندگانه تربیتی اسلام است و روش‌های تربیت اسلامی، به این دو، محدود و منحصر نیست (صادق زاده و بناهان، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

### ۲. لزوم تفکیک آموزه‌های اسلامی از رفتار مسلمانان

خطای روش‌شناختی این شبهه، عدم تفکیک ارزش‌ها و تعالیم دینی از عمل و روش مسلمانان است. بسیاری از الگوهای رفتاری در موضوعات مختلف زندگی مسلمانان، بیش از



آنکه از تعالیم و آموزه‌های دینی متأثر باشد، از فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، عادات، روش تربیت خانوادگی و تجارب فردی آنها تأثیر گرفته است. اساساً عموم مسلمانان، همچون پیروان دیگر ادیان، به صورت عمیق و گسترده با معارف و آموزه‌های اسلامی آشنا نیستند. از این رو روش‌های عمل و الگوهای رفتاری بسیاری از مسلمانان با آنچه از متن دین برداشت می‌شود، متفاوت و گاهی متضاد است. عمل دینداران جایی شایسته استناد است که دقیقاً از متن دین گرفته شده و توسط دین تأیید شود. روش‌های تربیتی آشفته‌ای که میان عموم خانواده‌ها، چه مسلمان و چه غیرمسلمان و حتی فاقد دین، وجود دارد، بیش از هر چیز از فرهنگ خانوادگی و تجربه‌های فردی والدین برخاسته و با دین و ارزش‌های دینی ارتباطی ندارد. نگاهی به آداب و رسوم اجتماعی، عادات رفتاری، نگرش‌های قومیتی، ارزش‌های فرهنگی مختلف و گاهی متضاد مسلمانان در جای‌جای جهان نشان می‌دهد که فرهنگ جغرافیا و سبک‌های تربیتی خانوادگی بر منش و صفات الگوهای رفتاری مسلمانان تأثیر انکارناپذیر داشته و دارد. بنابراین در مقام پژوهش درباره معارف توصیفی و آموزه‌های تجویزی در هر حوزه از دانش‌های اسلامی، می‌بایست به متون معتبر اسلامی مراجعه کرده و با روش اجتهادی در آن مطالعه کرد. هر چند محصول اجتهاد محققان مسلمان نیز قابل نقد و ابطال است.

### ۳. انسان بالغ مختار، مخاطب اصلی قرآن

از روش‌های تربیتی به کار گرفته شده در آیات قرآن و روایات دینی، روش‌های انذار و تبشیر است. قرآن کریم هم خود از این روش بهره جسته (مدثر: ۱۷؛ نساء: ۵۶-۵۷) و هم به پیامبر و مؤمنان توصیه کرده که در مواجهه با کافران، منافقان و اهل معاصی از این روش بهره جویند. (مریم: ۳۹) نکته قابل تأمل در این آیات و روش انذار و تبشیر این است که: اولاً: این دو روش در مواجهه با انسان‌های «عاقل»، «بالغ» و «مختاری» است که با وجود به کار گرفته شدن روش‌های دیگری مثل موعظه، مجادله نیکو، برهان (نحل: ۱۲۵)، قصه‌گویی (مائده: ۲۷)، الگودهی (ممتحنه: ۴)، توصیه به حضور پررنگ و منظم در میان جماعت مؤمنان (بقره: ۴۳)، پرسش‌های هدفمند (انبیاء: ۳۲) و ... نسبت به پذیرش حق یا دست برداشتن از ستیز با اسلام و مسلمانان رفتار خود را تغییر نداده‌اند؛ و یا نسبت به



مؤمنانی است که جز با روش انذار و تبشیر بر موضع خود ثابت قدم نمی‌مانند. انسان‌های بالغ، عاقل و مختار، سطوح رشد شناختی و زمینه‌های انگیزشی متفاوتی دارند. موضوع تیپ‌های شخصیتی (کریمی، ۱۳۸۳، ص ۸۶-۸۸) و مدل‌های انگیزشی (خداپناهی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱-۲۴۰) از موضوعات مهم روان‌شناسی شخصیت و انگیزش است. بر اساس تحقیقات فراوانی که روان‌شناسان درباره‌ی گونه‌های شخصیت و زمینه‌های روان‌شناختی انگیزش انجام داده‌اند، انسان‌ها در تأثیرپذیری از مسائل گوناگون زندگی، روش یکسانی ندارند، از این رو به کارگیری روش مناسب برای نفوذ در مخاطب از مباحث مهم روان‌شناسی اجتماعی است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۳۶۴). به همین سبب یکی از عوامل پویایی و جامعیت یک مکتب تربیتی، بهره‌جستن از روش‌های متنوع و متناسب در مواجهه با افراد گوناگون از لحاظ تیپ شخصیتی و زمینه‌های انگیزشی است. به همین سبب استفاده قرآن کریم و معصومان علیهم‌السلام از روش انذار و تبشیر در موقعیت‌های تبلیغی نه تنها نقطه ضعف مکتب تربیتی اسلام نیست، بلکه از نقاط قوت این مکتب به شمار می‌رود.

ثانیا: در هیچ آیه و روایت معتبر دینی به والدین و مربیان کودک توصیه نشده که کودکان را با ترساندن از آتش جهنم و یا طمع‌ورزی در بهشت به اخلاق نیک و اदार سازند. اساسا از نگاه اسلام، ثواب و عقاب اخروی بر اعمال اختیاری پس از بلوغ شرعی متوقف است (خوبی به نقل از توحیدی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۱). کودکان دختر و پسر- پیش از رسیدن به بلوغ شرعی و آمادگی برای پذیرش مسؤولیت کیفری و مدنی، به انجام واجبات و ترک محرمات ملزم نیستند و در صورت انجام محرمات و ترک واجبات، مؤاخذه دنیایی و آخرتی متوجه آنان نخواهد شد (همان). البته در روایات و توصیه‌های امامان هدی علیهم‌السلام به والدین توصیه شده که از همان دوران کودکی ثانویه (هفت تا ۱۴ سال) کودکان خود را با روش‌های معقول و اخلاقی، به انجام کارهای نیک و ترک کارهای بد تشویق و ترغیب کنند (نوری، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۶)؛ همچنانکه والدین وظیفه دارند با تدبیر صحیح و مدیریت امور کودکان، زمینه مراقبت معنوی، اخلاقی، جسمی و روانی کودک را فراهم کرده و از آسیب‌های اخلاقی، معنوی، جسمی و روانی کودک جلوگیری کنند (تحریم: ۶). مخاطب قرآن انسان‌های بالغ‌اند نه کودکان. ترساندن از جهنم و تشویق به پاداش‌های بهشتی از اموری است که

اساساً در آموزه‌های اسلامی برای دورهٔ کودکی توصیه نشده و اثر تربیتی مثبت هم ندارد. مفاهیم بهشت، دوزخ، فرشتگان، نامهٔ اعمال، کیفر و غیره مفاهیمی فرامادی است و کودکانی که هنوز به مرحلهٔ درک و شناخت انتزاعی نرسیده‌اند، نمی‌توانند از این مفاهیم درک درستی داشته باشند (منصور و دادستان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸-۲۵۰). به همین سبب در هیچ گزاره معتبر دینی به والدین توصیه نشده تا کودکان خود را با ترس از جهنم و تحریص به پادشاه‌های بهشتی به کارهای خوب دعوت کنند. آری! آشناساختن کودکان با صفات جمال خدا، شخصیت پیامبر و پیشوایان دین از طریق قصه‌گویی و بازگکردن رفتارهای خوب و منش انسانی آنان، با زبان کودکانه، کار درست و مؤثری است؛ ولی در همین موارد هم افراط شایسته نیست. روش ترساندن از جهنم و تطمیع به نعمت‌های بهشتی عمدتاً از سوی پدران و مادران بی‌توجه و کم‌سوادی صورت می‌گیرد که بی‌اعتنا به مقتضیات دوران کودکی و روش‌های صحیح تربیتی و مقبول از سوی دین و علم، فرزندان خود را به مثابه بزرگسالانی می‌پندارند که امور غیرمادی را درک کرده و نظام ارزشی و رفتاری خود را بر پایهٔ آن تنظیم می‌کنند. مضاف بر اینکه در بسیاری از آیات قرآن و روایات دینی برای تشویق به انجام کارهای خوب و بازداشتن از کارهای بد به آثار و پیامدهای دنیوی رفتارها تذکار داده شده است. به‌عنوان نمونه قرآن کریم در هنگام نهی از گناهانی مانند: غیبت (حجرات: ۱۲)، شتاب‌زدگی در تصدیق فاسق (حجرات، ۶)، اعراض از ذکر خدا (طه: ۱۲۴)، بر پیامدهای منفی و دنیایی این رفتارها و در هنگام امر به کارهایی مانند: نماز (عنکبوت: ۴۵)، انفاق (بقره: ۲۶۵)، اتحاد و پرهیز از تفرقه (انفال: ۴۶) به آثار مثبت و این جهانی آن اشاره کرده است.

#### ۴. اهمیت نظام پاداش و تنبیه در روان‌شناسی

نظام پاداش و تنبیه یکی از نظام‌های مهم و تأثیرگذار تربیتی است (نیکونژاد و حسومی، ۱۳۹۴، ص ۵۹-۶۰). از نگاه بسیاری از روان‌شناسان نیز پاداش و تنبیه، سیستم کارا و مهمی در ایجاد ویژگی‌های شخصیتی مثبت و الگوهای رفتاری مطلوب در کودکان و نوجوانان است (همان). نظام پاداش و تنبیه بر اساس تقویت رفتار عمل می‌کند. هر رفتاری که تقویت مثبت شود، به احتمال زیاد، تکرار خواهد شد و هر رفتاری که تنبیه شود به احتمال



زیاد خاموش می‌شود. (میلتن برگر به نقل از آشتیانی، ۱۳۸۷، ۳۵-۶۱) نیز بر اساس قانون «اثر» ثرندایک هر رفتاری که به اثر خوشایند منتهی شود، ادامه یافته و رفتاری که اثر خوشایندی به دنبال داشته باشد، خاموش می‌گردد (هرگنهان و السون به نقل از سیف، ۱۳۸۳، ص ۸۶). والدین و مربیان نباید در برابر کار خوب و بد یکسان رفتار کنند. انسانی که در برابر کار خوب، تشویق و تحسین شده و پاداش گیرد، آن رفتار را تکرار خواهد کرد؛ آری! پاداش و تنبیه هرگز جای آموزش مستقیم و غیرمستقیم، هنر و الگوگیری از شخصیت‌های مهم و محوری (همان، ص ۳۶۰) زندگی کودک را نمی‌گیرد و نمی‌توان همه چیز را به پاداش و تنبیه تقلیل داد. آموزش‌های مستقیم اخلاقی در مدرسه و خانه لازم و مؤثر است. ضمن اینکه نظام اجتماعی، نظام سیاسی، وضعیت اقتصادی، فرهنگ جامعه و الگوهای عینی زندگی کودک هم نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت مطلوب و نظام ارزشی متعالی او دارند (برک به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۹). البته لازم است سیستم پاداش و تنبیه متناسب با سطح هوشی، مرحله شناختی و الگوی انگیزشی - هیجانی کودک تنظیم شود تا اثر مطلوب خود را ظاهر سازد. بنابراین در دوره کودکی استفاده از مفاهیم غیرمادی مثل جهنم و بهشت برای تدبیر رفتارهای کودک مناسب نیست و در هیچ گزاره معتبر دینی هم به این امر توصیه یا فرمان داده نشده است. درک زیبایی رفتار اخلاقی فرایندی است که در طول عمر انسان شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را در آموزش مستقیم ارزش‌ها به صورت یک روش مجزا به کار گرفت (بیریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸۱-۱۰۹۰). فردی که رفتار اخلاقی را انجام می‌دهد و اثر خوب و سودمند آن را در زندگی خود و احساس و رفتار دیگران مشاهده می‌کند، آرام آرام از زیبایی آن رفتار درک خاصی پیدا می‌کند و همین درک زیباشناختی، رفتار و قضاوت اخلاقی را در روان کودک تقویت و تحکیم می‌کند (همان، ص ۱۰۸۹).

## ۵. دوره‌های تربیت و سازوکارهای آن از دیدگاه روایات اسلامی

بر اساس مجموعه‌ای از روایات معتبر از پیشوایان دین، فرایند تعلیم و تربیت اخلاقی و دینی بر مبنای نظام معرفتی و آموزه‌های اسلام، به سه مقطع هفت ساله تقسیم می‌شود. در کتاب‌های روایی شیعه و سنی مانند «اصول کافی» (کلینی، ۱۳۳۳ ش، ص ۴۴۱)، «مکارم الاخلاق» (طبرسی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۲۲)، «تهذیب الاحکام» (شیخ طوسی (شیخ طوسی،

۱۳۶۴ ش، ص ۱۱۱)، «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۹۲) و کتاب‌های حدیثی دیگر روایات متعددی از پیامبر ﷺ و امامان معصومین ﷺ وارد شده که مفاد معتبر و اطمینان‌بخش همه آنها تأیید سه مقطع تربیتی مذکور است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱). برآیند استنباط مفهومی از این روایات، که با تعابیر مختلفی مطرح شده، این است که دوره‌های سه گانه تربیت، از لحاظ تکالیف، روش‌ها و محتواهای تربیتی با هم بسیار متفاوت است؛ از این رو کاربست محتوا و روش هر مقطع، در مقاطع دیگر، علاوه بر بی‌اثر شدن آن روش و محتوا، می‌تواند به کل فرایند تربیت اخلاقی و دینی کودک و نوجوان آسیب زند. جمع‌بندی مفاد روایات نام برده در ارائه روش و محتوای تربیتی در هر مقطع را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

### الف) مقطع هفت ساله اول

در این مرحله که آن را دوره «بازی کودک» نام می‌نهم (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۱۷)، لازم است به کودک میدان داده شود تا با آزادی و آرامش معقول، به بازی و کاوش در محیط خود بپردازد و بدون شتاب‌زدگی و تحمیل آموزش‌های رسمی، ظرفیت‌های عقلی و هوشی خود را شکوفا کند. این دوره که هماهنگ با دوره حسی حرکتی و پیش عملیاتی پیاژه (منصور و دادستان، ۱۳۸۱، ص ۲۳۸) و دوره اعتمادسازی، استقلال و اراده در نظریه اریکسون است (شولتز به نقل از کریمی و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۳۲۸-۳۲۹). در این دوره والدین و سرپرستان کودک باید با نهایت گذشت، نرمی، مدارا و محبت با کودک رفتار کرده و خواسته‌ها و نیازهای او را تا جایی که ممکن است و به کودک آسیبی وارد نمی‌کند، تأمین کنند (همان). دو روش تربیت اخلاقی در این دوره توصیه شده است: یکی «روش بازی» و دیگر «روش عملی و الگوبودن عملی» (هرگنهان و السون به نقل از سیف، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵-۳۷۸). بازی بهترین روش برای تخلیه هیجانات مثبت و منفی، مهارت آموزی، رشد عقلی و عاطفی و اجتماعی شدن کودک به شمار می‌رود (مهرداد، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴). امامان معصومین ﷺ با توصیه به فراهم کردن شرایط بازی برای کودک در حقیقت به فرایند مهمی در تربیت جامع‌نگر کودکان توصیه کرده و هرگونه جدیت و آموزش رسمی را در این دوره نفی کرده‌اند. به صورت طبیعی وقتی دوره هفت ساله اول، «دوره بازی» نام داده شد و





توصیه شد که کودک رها شده تا بازی کند، آموزش مفاهیم بهشت و جهنم و راهبرد تربیتی ترساندن در این دوره جایگاهی ندارد. روش دیگر «روش الگوگیری و تقلید» از بزرگ‌ترها است (هرگنهان و السون، همان، ص ۳۷۵). کودک در این دوره بسیار حساس و دقیق است و همه رفتارها و واکنش‌های والدین و شخصیت‌های محوری زندگی خود را زیر نظر گرفته و از آن تقلید می‌کند (همان). رعایت اصول و رفتارهای اخلاقی از طرف والدین، چه در برخورد با خود کودک و چه در موقعیت‌هایی که کودک رفتار و واکنش‌های والدین را مشاهده می‌کند، می‌تواند تا حد زیادی به شکل‌گیری روان بنه‌های شناختی و الگوهای رفتار اخلاقی در کودک بیانجامد.

### ب) مقطع هفت ساله دوم

در این مقطع که در برخی از روایات دوره «اطاعت‌پذیری» کودک نام گرفته، روش تربیت، «آموزش رسمی» خواندن و نوشتن، آموزش قرآن، آموزش ادب و اخلاق متعالی است (پسنیدیه، ۱۳۹۵، ص ۱۷). در این دوره، کودک نباید رها باشد و همه وقت خود را به بازی بگذراند. لازم است والدین اوقات کودک را مدیریت کرده و ضمن اجازه دادن برای بازی، به امور تعلیم و تربیت او همت گمارند. این دوره که هماهنگ با دوره عملیات عینی پیازه است (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ۶۱۴-۶۱۷)، کودک از توانمندی لازم برای آموزش رسمی برخوردار است (همان) و می‌توان با او درباره مسائل اخلاقی و آثار و پیامدهای آن گفتگو کرد (همان، ص ۱۰۸۱-۱۰۸۹). ضمن اینکه در این دوره نظام انذار و تبشیر و پاداش و تنبیه نیز کارایی لازم را دارا است.

### ج) مقطع هفت ساله سوم

در این مقطع، نوجوان آماده پذیرش مسئولیت‌های زندگی در امور شخصی، خانوادگی و اجتماعی است. بر اساس روایات مذکور، روش تربیتی مورد تأیید دین، «نزدیک‌ساختن نوجوان» به پدر و رابطه دوستانه و نزدیک میان آن‌ها، دادن مسئولیت‌های مختلف، مشورت و رایزنی با او، دادن استقلال، پرهیز از فشار برای اطاعت‌خواهی مطلق و آموختن حلال و حرام و قوانین شرعی و اجتماعی است (پسنیدیه، ۱۳۹۵، ص ۱۸). در این مقطع که

همهانگ با دوره عملیات صوری یا انتزاعی در نظریهٔ پیاژه است (بیریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۶۱۷)، می‌بایست نوجوان را بزرگسالی به‌شمار آورد که می‌خواهد نظام ارزشی و ایمانی خود را بر پایه استدلال و انتخاب‌گری برپا کند. پدر می‌بایست فضای گفتگو و تعامل منطقی و محترمانه را برای نوجوان فراهم کرده و در حدود معقولی، استقلال در عملکرد و تصمیم‌گیری را برای او به رسمیت بشناسد (فلسفی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵). چنانکه از این روایات به خوبی برداشت می‌شود، اسلام، مقطع کودکی اولیه را دوران بازی می‌داند و هرگونه فشار شناختی و عاطفی بر کودک را ممنوع دانسته است. در دورهٔ دوم و سوم روش تربیتی توصیه شده، آموزش مستقیم خواندن و نوشتن و احکام حلال و حرام (در حدود نیازمندی کودک) و پرورش شخصیت او از طریق بالابردن عزت نفس، اعتماد به نفس و احترام است. بنابراین در هیچیک از توصیه‌های تربیتی اسلام، به کاربردن فشار هیجانی و عاطفی برای وادارساختن کودک به انجام رفتار دینی و اخلاقی وجود ندارد.

### جمع‌بندی

۱. متأسفانه با گذشت بیش از چهارده قرن از تولد اسلام و شکل‌گیری و پرورش دانش‌های اسلامی، هنوز «نظام تربیت اخلاقی اسلام» به صورت منسجم و تئوریک شکل نگرفته است؛ از این رو نمی‌توان با استناد به چند گزارهٔ دینی، نظام تربیت اخلاق اسلامی را به چیزی متهم ساخت.
۲. در تحلیل مسائل دینی، تفکیک میان تعالیم اسلامی و عمل عینی مسلمانان ضروری است؛ زیرا عادات و الگوهای رفتاری، معمولاً به ریشه‌های فرهنگی، قومی و اجتماعی افراد نیز مرتبط است.
۳. بررسی آیات و روایات دینی نشان می‌دهد که در هیچ گزارهٔ معتبر دینی به والدین توصیه نشده است که کودکان خود را با ابزار ترساندن از جهنم و طمع به بهشت، به اخلاق خوب وادار کنند. بلکه روش‌های معقول و مؤثری متناسب با هر دوره از رشد شناختی - عاطفی کودک و نوجوان توصیه شده است.
۴. انذار و تبشیر و نیز سیستم پاداش و تنبیه از نظام‌های روان‌شناختی و تربیتی علمی، معقول و اخلاقی برای تعلیم و تربیت شخصیت و رفتار اخلاقی است و انکار آن جز

مخالفت با علم و عقل سلیم انسانی چیزی دیگری نیست.

۵. اساساً کودکان مخاطب قرآن کریم نیستند؛ بلکه مخاطب قرآن انسان‌هایی‌اند که به بلوغ طبیعی و فکری رسیده و می‌توانند مفاهیم قرآن را فهمیده و با ارادهٔ مختارانهٔ خود به پیام‌های آن پاسخ مثبت یا منفی دهند.

۶. از دیدگاه روایات اسلامی، که در حد استفاضه نقل شده، دوره‌های تربیتی والدانه به سه دورهٔ هفت‌ساله تقسیم شده و برای هر دوره، سازوکارهای مناسبی برای رشد شناختی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و عاطفی کودک و نوجوان به پدران و مادران توصیه شده است.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۲. برک، لورا، ای، روان‌شناسی رشد از لقاح تا کودکی، ترجمه سید محمدی، یحیی، تهران: ارسباران، ۱۳۸۱.
۳. بیری، ناصر و دیگران، روان‌شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۵.
۴. پسندیده، عباس، روایات سبع سنین در فرزند پروری، گونه‌ها و تحلیل درونی آنها، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، دوره ۲۱، شماره ۸۱، پاییز ۱۳۹۵.
۵. خداپناهی، محمدکریم، انگیزش و هیجان، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۶. خوبی، ابوالقاسم، مصباح الفقه، تقریر: محمدعلی توحیدی، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۷. شولتز، دوان، نظریه‌های شخصیت، ترجمه کریمی، یوسف و دیگران، چاپ چهارم، تهران: ارسباران، ۱۳۸۳.
۸. شیخ صدوق، محمدبن‌علی‌بن‌بابویه القمی، من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. شیخ طوسی، محمدبن‌الحسن، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۱۰. صادق‌زاده، علیرضا و بناهان، مریم، رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۱.
۱۱. طبرسی، الفضل‌بن‌حسن، مکارم الأخلاق، تهران: فراهانی، ۱۳۸۱.
۱۲. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. کریمی، یوسف، روان‌شناسی شخصیت، چاپ نهم، تهران: مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۸۳.
۱۴. کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۱۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.



۱۶. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۱۷. مطهری، مرتضی، ختم نبوت، چاپ ششم، تهران: صدرا، ۱۳۷۰.
۱۸. منصور، محمود، دادستان، پریخ، روان شناسی ژنتیک ۲، چاپ چهارم، تهران: رشد، ۱۳۸۱.
۱۹. مهرداد، حسین، تأثیر بازی درمانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عقب مانده ذهنی دوره ابتدایی شهر خرم آباد در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، فصلنامه روان شناسی افراد استثنایی، شماره ۲، سال اول، تابستان ۱۳۹۰.
۲۰. میلتن برگر، ریموند، شیوه های تغییر رفتار، ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی، چاپ هشتم، تهران: سمت، ۱۳۸۷.
۲۱. نوری، میرزا حسن، مستدرک الوسایل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. نیکونژاد، زهرا و حسومی، ولی الله، بررسی روش های ایجاد انگیزه دینی از منظر سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام، مجله مهندسی فرهنگی، سال نهم، شماره ۸۳، بهار ۱۳۹۴.
۲۳. هرگنهان، بی. آر و السون، متیو اچ، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، چاپ هفتم، تهران: دوران، ۱۳۸۳.